

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## تقدیر و سپاس

خداوند منان را سپاسگزارم که به من توفیق ارزانی داشت تا بتوانم در راه کرب علم و دانش کام بردارم.

از زحمات و لایه‌های همتی استاد فرزانه و عزیزم جناب آقای دکتر سید ابی‌زادانی که با همتی این پژوهش را بر عهده داشتند و در طول انجام این تحقیق با حیاقت همتی و لایه‌های همتی پژوهشی خودمایدی دکلمی نگارنده بودند، قدر دانی می‌کنم. از نقطه نظرات سازنده‌ی استاد اخلاق‌نم جناب آقای دکتر محمدتقی پورناری که سرست مشاورت پایان نامه را عهده دار بودند سپاسگزارم؛ دهرضمراین دو بزرگوار علاوه بر تلمذ علم و تحصیل دانش، درس اخلاق و انسانیت زین پژوهش آموختن شود.

از اساتید محترم آقای دکتر محمدحسین رازمنان و دکتر محمدتقی احمد فلاح توکلگر که زحمت داوری این پایان نامه را متقبل شدند، و از نظر ایشان بسیار بهره‌مند گردیدم؛ تشکر می‌نمایم.

به علاوه از دیگر استادان محترم در دوره‌ی کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشگاه تبریز و دانشگاه تربیت معلم تهران که افتخار معلمی آن‌ها را در اختیار داشتم، قدر دانی دارم.

زحمات و بهر همتی همتی خانم همکار کارشناس محترم گروه و خانم مودودی کارشناس تحصیلات تکمیلی را ارجح می‌دانم.

کادگان کتابخانه‌ی دانشگاه تربیت معلم پردیس کرج آقایان محمدنیا، مولایی و رحیمی و خانم بلخانی، علی‌پور و طاهانی و همکاران خانم سیدجوادی و سرول کتابخانه‌ی تخصصی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی پردیس کرج در مدت انجام این پایان نامه بسیار بهر همتی کردند. از این عزیزان به خاطر زحمات و بهر همتی همتی همتی قدر دانی می‌کنم.

دوستان جوان آقایان ارطو خداپرست، محمد زویعیدی، سید محمدعلی جعفری، سلیمان خدا دادی، سعید رحیم کشاورز، حسان صادق، احمد بنزادی، صدیق طاهری، مهدی شفیعی، حسین یعقوبی در طول مدت خدمت‌دوستانه‌ی تحقیق یاری کردند. از این عزیزان سپاسگزارم.

اندم کلاس‌های آقایان مصطفی ابراهیمی، سید مرتضی رحیمی، مرضی مودودی، سعید سلیمانی، حمید علی‌بی‌بی‌نژاد و خانم ناسا زبان‌نوم نصیری و فاطمه هاشمی که در طول تحصیل و انجام این تحقیق سبب دکلمی من بوده اند سپاسگزارم.

در خاتمه از بهر اعضای خانواده ام، به ویژه پدرم که بدون کبرترین توفیق بر واره حاس من بودند سپاسگزار می‌نمایم. امیدوارم که بتوانم انگی انوبت‌های خالصانه‌ی این بزرگواران را

جبران کنم.

غرض تشکر است که با ما ماند کبریتی زین می‌نماید

با تقدیم احترام

ابراهیم روحانی - دی ۱۳۸۹

## چکیده

این پژوهش چشم‌اندازی است بر اوضاع آموزشی ایران در دوره‌ی مشروطه و می‌کوشد که سیر دگرگونی‌های تدریجی را در نظام آموزشی ایران بررسی کند؛ و به این سؤال پاسخ دهد که آیا انقلاب مشروطه توانست نظام آموزشی ایران را از حالت سنتی به صورت جدید درآورد؟ به علاوه، چگونگی وضعیت نظام آموزشی ایران قبل از مشروطه، موانع اجتماعی - فرهنگی گسترش نظام آموزشی به سبک جدید و جایگاه نظام آموزشی در اندیشه‌ی پیشروان مشروطه، دیگر مسائلی هستند که این پژوهش در پی پاسخ دادن به آنها است.

نظام آموزشی ایران پیش از مشروطه، نظامی سنتی بود که برنامه و مواد آن با مقتضای سنی افراد مناسبتی نداشت. برخورد با تمدن اروپایی سبب تکاپو در ایرانیان و انتقاد از نظام آموزشی شد. این مسأله به اعزام دانشجویان و احداث مدارس به سبک نوین منجر گردیده و تغییراتی را در نوع نظام آموزشی به وجود آورد؛ اما این جریان با مخالفت‌هایی روبه‌رو شد و تقابل و چالش بین موافقان و مخالفان ورود نظام آموزشی جدید در گرفت. با این حال نظام نوین افتان و خیزان به تکاپوی خود ادامه داد.

وقوع مشروطه، بر نظام آموزشی، همانند دیگر جوانب زندگی سیاسی و اجتماعی ایران، تأثیر گذاشت. نهادهای رسمی و غیر رسمی برآمده از مشروطه، مانند مجلس، دولت، احزاب و انجمن‌ها در راستای گسترش و همگانی شدن نظام آموزشی اقداماتی انجام دادند و آن را از حالت پیشین و وابسته به اراده افراد بیرون آوردند و هر چند با مخالفت بخش‌های از جامعه و مشکلات داخلی و خارجی روبه‌رو شدند ولی توانستند به مرور زمان نظام آموزشی را بر پایه‌هایی بنا کنند، که اراده‌ی افراد سبب تزلزل آن نگردد.

**کلیدواژه:** مکتب، مدرسه، میرزا ملکم خان، میرزا حسن رشدی، یحیی دولت‌آبادی، انجمن معارف، انقلاب مشروطه، مجلس، مدارس جدید، مدارس نسوان.



دانشگاه تربیت معلم  
دانشکده ادبیات و علوم انسانی

پایان نامه  
جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد  
رشته تاریخ - ایران اسلامی

عنوان  
نظام آموزشی ایران در دوره‌ی مشروطه

استاد راهنما  
دکتر سهراب یزدانی مقدم

استاد مشاور  
دکتر محمد تقی مختاری

دانشجو  
ابراهیم بوچانی

دی 1389

## فهرست

صفحه	عنوان
	<b>بخش اول: کلیات</b>
2.....	مقدمه.....
3.....	بیان مسأله.....
4.....	سؤال‌های تحقیق.....
5.....	فرضیه‌های تحقیق.....
5.....	اهداف تحقیق.....
6.....	روش تحقیق.....
6.....	پیشینه تحقیق.....
9.....	نگاهی به منابع.....
	<b>بخش دوم: نظام آموزشی ایران پیش از مشروطیت</b>
17.....	فصل اول: نظام آموزش سنتی در ایران.....
22.....	برنامه‌ها و مواد آموزشی مکتب‌خانه‌ها.....
25.....	فصل دوم: اعزام محصل به خارج و تأثیر آن بر نظام آموزشی.....
35.....	فصل سوم: مدارس جدید در ایران قبل از مشروطیت.....
35.....	1- دارالفنون.....
40.....	2- انجمن معارف.....
45.....	3- مدارس مسیونری و خارجی.....
49.....	فصل چهارم: امکانات و موانع آموزشی ایران قبل از مشروطه.....
49.....	1- امکانات توسعه نظام آموزشی.....
53.....	2- موانع توسعه نظام آموزشی.....
	<b>بخش سوم: جایگاه آموزش در اندیشه‌ی پیشروان مشروطیت</b>
63.....	فصل اول: نقد آموزش سنتی.....
63.....	1- میرزا یوسف‌خان مستشارالدوله.....
66.....	2- حاج زین‌العابدین مراغه‌ای.....
70.....	3- طالبوف تبریزی.....

79	فصل دوم: طرفداران اصلاح و تغییر الفبا
79	1- میرزا فتحعلی آخوندزاده
86	2- میرزا ملکم خان
97	فصل سوم: گام‌های عملی در ایجاد مدارس
97	1- حاج میرزا حسن رشديه
101	اندیشه‌های تربیتی رشديه
108	2- حاج میرزا یحیی دولت‌آبادی
	<b>بخش چهارم: تأثیر انقلاب مشروطه بر نظام آموزشی ایران</b>
119	فصل اول: فرایند توسعه معارف در نهادهای مدنی بعد از مشروطه
119	1- سیاست‌گذاری نهادهای رسمی در نظام آموزشی
119	1-1- قانون‌گذاری‌های آموزشی در مجلس اول شورای ملی
130	1-2- قانون‌گذاری‌های آموزشی در مجلس دوم شورای ملی
142	1-3- قانون‌گذاری‌های آموزشی از مجلس سوم تا کودتای 1299
150	2- سیاست‌گذاری‌های نهادهای غیر رسمی در باب نظام آموزش
150	2-1- اقدامات فرهنگی انجمن‌های ایالتی و ولایتی
154	2-2- فعالیت‌های فرهنگی انجمن‌های ملی در عصر مشروطه
159	فصل دوم: توسعه مدارس و معارف
171	1- مدارس عالی و تخصصی
173	1-1- مدرسه آلمانی
174	1-2- مدرسه صنایع مستظرفه
175	1-3- دبستان برزگران (کرج)
175	1-4- دارالمعلمین مرکزی
176	1-5- دارالمعلمیات
176	2- روند اعزام محصل در دوره‌ی مشروطه
183	فصل سوم: گرایش جدید در معارف ایران: توسعه مدارس نسوان
189	1- مخالفان و موافقان آموزش نسوان
199	2- گسترش مدارس نسوان
211	نتیجه
214	ضمائم
233	فهرست منابع
243	چکیده انگلیسی

## فهرست جداول

عنوان	صفحه
جدول شماره 1- مدارس جدید ایران قبل از مشروطه.....	57
جدول شماره 2- مدارس ابتدایی پسرانه که توسط نصیرالدوله تأسیس شدند.....	161
جدول شماره 3- مدارس متوسطه دولتی که توسط نصیرالدوله بنا گردیدن.....	162
جدول شماره 4- مدارس آذربایجان.....	164
جدول شماره 5- مدارس نواحی شمالی ایران.....	167
جدول شماره 6- مدارس اصفهان، یزد، عراق عجم و خراسان.....	168
جدول شماره 7- مدارس ایالات جنوبی و بروجرد.....	169
جدول شماره 8- مدارس دیگر ایالات و ولایات.....	168
جدول شماره 9- مدارس دخترانه تهران در سال 1328-29ق. ....	203
جدول شماره 10- مدارس نسوان تهران در سال 1332ق. ....	205
جدول شماره 11- مدارس دخترانه دولتی که زمان نصیرالدوله در تهران احداث شدند.....	209

بخش اول

کلیات



## مقدمه:

نظام آموزشی بدون تردید یکی از ارکان اساسی تکوین و توسعه‌ی فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جامعه است و چگونگی این تکوین و توسعه پیوستگی نزدیکی با حاکمیت موجود و وضعیت اجتماعی - مذهبی جامعه دارد. با بررسی دقیق و منصفانه‌ی سیر تحولات در گذشته، می‌توان برای جامعه‌ی امروز و آینده از آن بهره برد. بررسی فرایند تحولات آموزشی از این قاعده مستثنی نیست و نگرستن و تأمل به گذشته‌ی موفق یا ناموفق آن و تبیین و تحلیلش، می‌تواند چالش‌های پیش روی نظام آموزشی امروز را پاسخی مناسب دهد که اعتلای واقعی آن را به کار آید.

گفتمان حاکم بر نظام آموزشی ایران، قبل از مشروطه، گفتمانی سنتی بود که بیشتر تحت نفوذ نهادهای دینی و حکومتی قرار داشت. این نهادها بنا بر ماهیت خود، به طور معمول با تغییر و تحول اساسی در نظام آموزشی مخالفت می‌کردند. در دوره‌ی مظفرالدین شاه تحت تأثیر تلاش‌هایی که پیشروان فکری مشروطه انجام دادند، جامعه تا حدودی پویا شد. نظام آموزشی رونق گرفت و مدارس به سبک جدید تأسیس شدند، اما احداث این مدارس و حمایت از این نوع فعالیت‌ها تا زمانی مجاز بود که حاکمیت را به چالش نمی‌کشید. یعنی کاملاً وابسته به طبقه‌ی حاکمه بود. انقلاب مشروطه سبب تحولاتی در جامعه‌ی آن زمان شد. نهادهای برآمده از آن، نظام آموزشی را نیز با دگرگونی روبه‌رو کرد و زمینه و فرصتی مناسب برای شکوفایی آموزشی پدید آورد که مهم‌ترین حاصلش، این بود که نظام آموزشی را به صورت سازمانی نظام‌مند درآورد.

در این پژوهش برآنیم که پس از شناسایی نظام آموزشی سنتی ایران قبل از مشروطه، به موانع اجتماعی - فرهنگی گسترش نظام آموزشی در اندیشه‌ی سران مشروطه بپردازیم و در نهایت ببینیم که آیا مشروطه توانست نظام آموزشی را از حالت پیشین آن به حالت جدید در بیاورد یا خیر. برای پاسخ به این سؤالات، روش تحقیق تاریخی را برمی‌گزینیم. پس از گردآوری اطلاعات مندرج در اسناد و مدارک و روزنامه‌ها و دیگر منابع به طبقه‌بندی، تنظیم و نقد آن‌ها می‌پردازیم. آن‌گاه اقدام به تدوین و تحلیل و تبویب نهایی تحقیق می‌کنیم. حاصل کار در چهار بخش ارائه خواهد شد. بخش اول حاوی کلیات می‌باشد. در بخش دوم نظام آموزشی ایران پیش از مشروطیت بررسی می‌شود. در این بخش پس از شناسایی نظام آموزشی در ایران و برنامه و مواد آموزشی در این نظام، علل اعزام محصل

به خارج و تأثیری که بر نظام آموزشی داشت ریشه‌یابی می‌شود. سپس مدارس جدید پیش از مشروطیت و پیامدهای آن‌ها و همچنین امکانات و موانعی که توسعه نظام آموزشی جدید را سد می‌کرد، مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

بخش سوم به جایگاه آموزش در اندیشه‌ی پیشروان مشروطیت می‌پردازد. این بخش در سه فصل می‌آید. فصل اول به منتقدان نظام آموزشی رایج در ایران و فصل دوم به آراء و نظرات طرفداران اصلاح و تغییر الفبا و فصل سوم به رشديه و یحیی دولت‌آبادی اختصاص می‌یابد که گام‌های عملی را در ایجاد مدارس به سبک جدید و توسعه معارف برداشتند.

بخش چهارم در مورد تأثیر مشروطه بر نظام آموزشی است. در فصل اول فرایند توسعه معارف در نهادهای مدنی - رسمی و غیر رسمی - بعد از مشروطه مطرح می‌شود. فصل دوم در مورد توسعه‌ی مدارس و معارف است. فصل سوم در ارتباط با مدارس نسوان می‌باشد و نظرات مخالفان و موافقان این گرایش جدید در معارف، تحلیل و واکاوی خواهد شد.

### بیان مسأله:

نظام آموزشی و تغییر و تحول آن یکی از بحث برانگیزترین مباحث جامعه ایران از حدود یک قرن گذشته تا کنون است. اوضاع اجتماعی - فرهنگی ایران بیش از یک قرن است که دست‌خوش دگرگونی شده است. این دگرگونی و تحول از ورود تمدن غرب و نیاز جامعه به راهکارهای جدید برای توسعه نشأت گرفته است. در این پژوهش به بررسی و شناخت یکی از مباحث مهم اجتماعی و فرهنگی یعنی نظام آموزشی و همچنین تغییر و تحول آن در دوره مشروطه پرداخته می‌شود.

نظام اجتماعی و فرهنگی که در زمان ناصرالدین شاه شکل یافته بود با توجه به زمینه‌های فراهم آمده از قبل و تماس ایرانیان با غرب و همچنین در نتیجه روی کار آمدن مظفرالدین شاه و افرادی مانند امین‌الدوله به چالش کشیده شد. زیرا نظام آموزشی پیشین نمی‌توانست پاسخگوی نیازهای جدید جامعه باشد. این چالش زمینه را برای ظهور افراد و تفکراتی فراهم آورد که نظام آموزشی سنتی را فرسوده و ناکارآمد می‌دیدند و خواستار تعلیم و تربیت و نظام آموزشی به سبک نوین بودند. انتظار می‌رفت با برآمدن این زمینه‌ها و توجه ویژه‌ی پیشروان فکری مشروطه مانند آخوندزاده، طالبوف تبریزی، میرزا ملکم‌خان، یحیی دولت‌آبادی و... نظام آموزشی نوین بتواند رشد کند و در راستای توسعه اجتماعی و افزایش سطح آگاهی مردم گام بردارد. با وجود این هرچند روشنفکران

و عده‌ای از تجار و روحانیون از نظام آموزشی نوین و مدارس به سبک جدید حمایت کردند، ولی در راه گسترش نظام آموزشی جدید موانعی وجود داشت. از یک سو با مدارس جدید مخالفت‌هایی می‌شد، از سوی دیگر، نهادهای اقتصادی - سیاسی و اجتماعی و نظام مدیریتی کشور در موقعیت نابسامان و وخیمی به سر می‌بردند. نتیجه آن‌که هم‌زمان دو گفتمان در جامعه رشد کرد: یکی خواستار تحول نظام آموزشی بود و دیگری این تحول را رد می‌کرد. هر یک از این دو گفتمان پیگیر تفکرات و اهداف خود شدند.

انقلاب مشروطه وضعیت اجتماعی - فرهنگی کشور را مانند وضعیت سیاسی تحت تاثیر قرار داد و از آن‌جا که مشروطه‌خواهان می‌خواستند مردم را از بند نظام استبدادی رها کنند و مشروطه را گسترش دهند و هم با آگاه کردن مردم در پی نجات آنان از عقب‌ماندگی و پرورش آنان بودند، به فکر گسترش مدارس و حمایت از معارف افتادند. آنان می‌خواستند به صورت رسمی نظام آموزشی جدید را جایگزین نظام آموزشی سنتی کنند. این پژوهش می‌کوشد این موضوع را بررسی کند که تا چه حد این جایگزینی صورت گرفت. عواملی که زمینه را برای نشان دادن نظام آموزشی نوین به جای نظام آموزشی سنتی فراهم کردند چه بودند؛ و پیشروان انقلاب مشروطه چه تاثیری بر فرایند گفتمان آموزشی گذاشتند.

### سؤال‌های تحقیق:

سؤال اصلی؛

انقلاب مشروطیت چه نتایجی در نظام آموزشی ایران پدید آورد؟

سؤال‌های فرعی؛

- 1- وضعیت نظام آموزشی ایران قبل از انقلاب مشروطه چگونه بود؟
- 2- موانع اجتماعی - فرهنگی گسترش نظام آموزشی به سبک جدید چه بودند؟
- 3- نظام آموزشی چه جایگاهی در اندیشه‌ی سران مشروطه داشت؟

## فرضیه‌های تحقیق:

فرضیه اصلی؛

انقلاب مشروطه با عرفی‌کردن نظام آموزشی و تعلیم و تربیت به عمومی بودن نظام آموزشی و گسترش مدارس و جریان معارف به سبک نوین کمک کرد و به تلفیقی از نظام آموزشی نوین و نظام آموزشی سنتی دست زد.

فرضیه‌های فرعی؛

1- در اوایل دوره‌ی قاجار، آموزش در ایران سنتی بود و مکتب‌خانه‌ها به سبک غیرعلمی دست-اندرکار تعلیم و تربیت بودند، اما به مرور زمان مخصوصاً در زمان ناصری به علت ارتباط با تمدن اروپا و تحول فکری تعدادی از ایرانیان و نیاز جامعه به آموزش‌های جدید، آموزش به سمت فراگیر شدن پیش می‌رفت و در جدال با تفکری که خواستار سنتی ماندن جامعه و آموزش بود دچار چالش شد.

2- قبل از انقلاب مشروطه و در خلال این انقلاب دو دیدگاه در مورد نظام آموزشی وجود داشت: یکی در گسترش نظام آموزشی به سبک جدید می‌کوشید و دیگری نظام آموزشی جدید را در تقابل با ارزش‌های دینی تشخیص داد و به مخالفت با آن برخاست. همچنین نظام استبدادی با نظام آموزشی جدید مخالفت می‌کرد زیرا آگاهی مردم را در تضاد با منافع خود می‌دانست.

3- سران و پیشروان مشروطه با مشاهده ترقی و توسعه غرب به ضعف جامعه‌ی خود پی بردند و خواستار تحول جامعه شدند و از آن جا که نظام آموزشی موجود را ناکارآمد و فرسوده می‌دیدند، نظامی را پیشنهاد می‌دادند که جوابگوی نیازهای جامعه باشد.

## اهداف تحقیق:

این پژوهش به دنبال بررسی و شناخت سیر تحول نظام آموزشی در دوره انقلاب مشروطه و همچنین بررسی تغییر نگاه به نظام آموزشی در خلال این انقلاب و دگرگونی‌های مادی عملی و کارکردی در نظام آموزشی پس از مشروطیت است تا دانسته شود که آیا این انقلاب توانست مطابق با نیازهای اجتماعی در نظام آموزشی مؤثر افتد و نظام آموزشی را با تحولاتی روبرو کند که جوابگوی چالش‌ها و نیازهای جامعه باشد یا در دسترسی به این مهم درماند. امید است پاسخ به این مسائل و

بررسی نظام آموزشی در دوره‌ی مشروطه بتواند در رفع مشکلات امروزی نظام آموزشی ایران مؤثر و راهنما باشد.

### روش تحقیق:

ماهیت تاریخی این پژوهش ایجاب می‌کند تا روش پژوهش را بر بنیاد روش تحلیل تاریخی قرار دهیم که مسایل را پس از بیان و توصیف مورد تحلیل قرار دهیم و به این ترتیب مراحل زیر را طی نماییم:

1. گردآوری اسناد و مدارک 2. طبقه‌بندی و تنظیم اولیه‌ی یافته‌ها 3. استخراج اطلاعات اولیه‌ی مورد نظر 4. نقد و بررسی یافته‌ها 5. تدوین و تنظیم آگاهی‌های نهایی و نقادی‌شده 6. تحلیل و تبیین یافته‌ها 7. تبویب نهایی تحقیق. شیوه‌ی گردآوری داده‌ها و اطلاعات تاریخی ما در این تحقیق روش کتابخانه‌ای بوده است.

### پیشینه تحقیق:

هرچند اهمیت نظام آموزشی و ضرورت نگاه تاریخی به آن، تحقیقات ارزشمند و مؤثری را می‌طلبد، ولی تا آن‌جا که بررسی‌های اولیه نمایاند درباره نظام آموزشی ایران در دوره‌ی مشروطه تحقیق و پژوهش‌های زیادی صورت نگرفته و منابع و تحقیقات پراکنده‌ای که وجود دارد آن‌چنان‌که شایسته است به این جانب پر محتوا، با دقت برخورد ننموده‌اند، اما به هر حال در برخی از کتاب‌ها و منابع تحقیقاتی جدید و پایان‌نامه‌ها گاه‌گاهی به گوشه‌های از نظام آموزشی جدید و مدارس دوره‌ی قاجاریه قبل و بعد از مشروطه اشاراتی شده که در این جا به معرفی برخی از مهمترین این تحقیقات پرداخته می‌شود؛

1. «تاریخ فرهنگ ایران: از آغاز تا زمان حاضر» اثر عیسی صدیق است که چاپ اول آن در 1336 ش. می‌باشد، این کتاب درباره نظام آموزشی دوره‌ی قاجار مخصوصاً قبل از مشروطه مباحثی را بیان کرده است. فصل یازدهم این کتاب با عنوان «به سوی تجدد و تحول: از تاسیس دارالفنون (1268ق) تا زمان حاضر» با موضوع مورد پژوهش در این رساله ارتباط دارد که با توجه به گسترده بودن دامنه‌ی موضوعات و محدودیت منابع آن می‌شود گفت که تألیفی غنی نمی‌باشد.

2. محمد ع. کشاورزی کتابی تحت عنوان «تاریخ آموزش و پرورش: دوره‌ی باستان - دوره‌ی میانه - دوره‌ی تجدد» تألیف کرده است، او در اثر خود به آموزش و پرورش دوره‌ی قاجار و مدارس جدید و دولتی پرداخته است و به کارها و خدمات میرزا حسن رشديه به عنوان پیشرو نظام آموزشی جدید اشاره می‌کند. مطالب این کتاب کلی بوده و جنبه توصیفی دارد.

3. کتاب «مدارس جدید در دوره‌ی قاجاریه: بنیان و پیشروان» نوشته‌ی اقبال قاسمی پویا است. این کتاب که پایان‌نامه دکتری مؤلف می‌باشد اثر دیگری است که در آن از دگرگونی‌های اجتماعی و فرهنگی ایران و غرب در روزگار قاجار و آموزش عمومی در این دوره بحث می‌کند. در این کتاب به زمینه‌های فکری تحول نظام آموزشی و تأثیر انقلاب مشروطه در گفتمان جدید آموزشی و مدارس جدید در ایالات و ولایات ایران عصر قاجاریه به صورت مفصل بحث کرده است و با موضوع مورد پژوهش ما ارتباط دارد.

4. در بخش دوم کتاب «تاریخ آموزش و پرورش: ایران و اسلام» تألیف محمدعلی ضمیری به مدارس دوره‌ی قاجار و آموزش و پرورش نوین پرداخته است. البته مؤلف در این بخش ضمن کلی‌گویی به صورت خلاصه به توصیف بعضی از مدارس پرداخته است اما او تلاش‌های اصلاح‌گرانه سران مشروطه و زمینه‌های فکری تحول نظام آموزشی را مورد بررسی قرار نداده است.

5. کتاب «زندگی‌نامه و خدمات علمی و فرهنگی مرحوم میرزا حسن رشديه»، مجموعه مقالاتی است که توسط انجمن آثار و مفاخر فرهنگی جمع‌آوری و در آبان 1386 منتشر شده است. اولین قسمت آن بخشی از کتاب چاپ نشده‌ی خاطرات میرزا حسن رشديه، به تصحیح محمد بقایی تحت عنوان «خاطرات» است. این قسمت شرح حال و تاریخ زندگانی و خدمات فرهنگی رشديه است که به قلم خود وی در سن 63 سالگی نگاشته شده است. مقاله‌ی «رشديه و مدارس جدید» به قلم ماشاءالله آجودانی است که برگرفته از کتاب مشروطه ایرانی می‌باشد. محمد بقایی با استناد به زندگی‌نامه‌ی خودنوشت رشديه، مقاله‌ای نگاشته است که از چند غلط رایج در مورد زندگی رشديه برمی‌دارد.

دیگر مقالات این مجموعه، هر کدام جنبه‌ای از زندگی رشديه را بررسی کرده‌اند اما به هیچ‌یک از آثار و تألیفات رشديه و اندیشه‌های فرهنگی نهفته در آنها پرداخته نشده است و این جنبه‌ی فکری او تا حدودی مغفول مانده است.

6. «آموزش، دین، و گفتمان اصلاح فرهنگی در دوران قاجار» پنجمین مجلد از مجموعه‌ی «سنت‌های فکری» است که هدف آن فراهم آوردن منابع و مطالب برای دانش‌پژوهان میراث ایرانی - اسلامی بوده و در واقع گزارشی از اصلاح آموزشی ایران در قرن نوزدهم است. نظام جدید آموزشی و مدارس خارجی در ایران و دارالفنون از جمله موضوع‌های مورد مطالعه کتاب هستند. این کتاب که بر نگرش‌های در حال تحول موافقان و مخالفان اصلاح آموزشی نسبت به منافع و مخاطرات آن پرداخته است، مدرن‌سازی را در ایران همچون یک فرایند کنشگر و آفریننده‌ی همسازی و سازگاری توصیف می‌کند. تأکید کتاب بر تهدید اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و نهادی است که از این رهگذر اصلاح آموزشی متوجه علما می‌شد. به رغم سودمندی این اثر، در آن تحولات آموزشی بعد از مشروطه چنان که باید و شاید مورد توجه قرار نگرفته است و بیشتر تحولات قبل از مشروطه واکاوی شده است.

7. «تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران» اثر حسین محبوبی اردکانی است. این کتاب سه جلدی پایان‌نامه دکتری مؤلف می‌باشد. در جلد اول نویسنده به جریان اعزام محصل و تأسیس مدرسه دارالفنون و مدارس جدید دوره‌ی قاجاریه پرداخته و در این زمینه اطلاعات در خوری دارد. البته این کتاب بیشتر به مدارس تهران اشاره می‌نماید و از زمینه‌هایی که انقلاب مشروطیت برای گسترش معارف ایجاد کرد و نقش سران مشروطه در نظام آموزشی نوین بحثی به میان نیاورده است.

8. پایان‌نامه‌ای تحت عنوان «تحقیقی در اوضاع اجتماعی دوره‌ی قاجاریه» در سال 1354 در دانشگاه تهران توسط منیژه پورراد دفاع شده است؛ که 15 فصل دارد و پنج فصل آن درباره‌ی بیداری ایرانیان، اقدامات عباس میرزا و امیرکبیر، ورود افکار تجددخواهی به ایران و فرهنگ در دوره‌ی قاجاریه می‌باشد. این پژوهش به اوضاع اجتماعی ایران بعد از مشروطه کمتر می‌پردازد و به دلیل گستردگی موضوع و وسعت آن، گردآورنده در بسیاری از موارد صرفاً به کلی‌گویی پرداخته است و چون مطلب قابل توجهی نداشت از آن استفاده نشد.

9. پایان‌نامه‌ی دیگری تحت عنوان «بررسی آموزش و پرورش ایران در دوره‌ی مشروطیت» در سال 1352-1353 توسط رضوان برادران در دانشگاه تربیت معلم دفاع شده است. این پژوهش رشد نهادهای فرهنگی و تعلیم و تربیت را در دوران مشروطه بررسی می‌کند، اما به علت قلت و محدودیت شدید منابع - که اغلب جدید و تحقیقی بودند - بسیار خلاصه می‌نماید و در آن از زمینه‌های فکری

تحول نظام آموزشی و دیدگاه سران مشروطه در مورد نظام آموزشی بحثی نشده است. از این منبع نیز بهره‌ای برده نشد.

12. در مورد زندگی سیاسی - فرهنگی یحیی دولت‌آبادی دو پایان‌نامه نگاشته شده است. «زندگی سیاسی - فرهنگی حاج میرزا یحیی دولت‌آبادی» یکی از آن‌ها است که در دانشگاه تهران توسط صغری کریمی به راهنمایی دکتر غلامحسین زرگری‌نژاد در اسفند 1384 دفاع شده است. این پایان‌نامه که به دلیل استفاده از رساله‌های کمیاب دولت‌آبادی مانند «حقایق» و «ارمغان یحیی» ارزش خاصی دارد؛ در شش فصل نگاشته شده است که فصل سوم آن تحت عنوان «یحیی دولت‌آبادی و نهضت اصلاح آموزشی» در ارتباط با موضوع مورد تحقیق ما حائز اهمیت است. «حیات سیاسی و اندیشه‌های یحیی دولت‌آبادی» نیز عنوان پایان‌نامه‌ای است که حسن رحمانیان آن را در شهریور 1385 به راهنمایی دکتر صالح پرگاری در دانشگاه تربیت معلم دفاع کرده است. این پایان‌نامه در چهار فصل گردآوری شده است و در قسمت آخر فصل اول، به نقش دولت‌آبادی و اقدامات فرهنگی او در انجمن معارف پرداخته شده است.

### نگاهی به منابع:

### الف. کتب دست اول:

#### 1. سیاحتنامه ابراهیم‌بیگ:

رمان اجتماعی سیاحتنامه ابراهیم‌بیگ یا بلای تعصب او اثر زین‌العابدین مراغه‌ای است. کتاب سه جلد دارد و جلد اول آن که به احتمال قوی در سال 1312 ق. چاپ شده، مهمتر است و داستانی تخیلی درباره‌ی گشت و گذار یک تاجرزاده‌ی ایرانی مقیم مصر در ایران عهد ناصری می‌باشد که تصویری دقیق از جامعه‌ی دوره‌ی متأخر ناصری را به دست می‌دهد که گاه در حد اثری دست اول قابل استناد است. این کتاب واقعیات قابل لمس را به صورتی دلسوزانه و با زبانی ساده و گیرا بیان کرده است و به نظر می‌رسد تاثیر اجتماعی کتاب نیز به همین علت بوده است. نویسنده در اثر خود به مسائل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... پرداخته است و با انتقاد از نظام آموزشی سنتی و اشاره به توسعه‌ی نظام آموزشی در دیگر کشورها، آراء و انتقادات آموزشی خود را مطرح کرده و بر ضرورت نوسازی در مورد مسائل آموزشی تاکید داشته است.



## 2. یک کلمه:

مستشارالدوله نویسنده‌ی رساله‌ای موسوم به «یک کلمه» است. منظور او از «یک کلمه»، قانون می‌باشد. وی با انتخاب این عنوان برای کتاب خود، می‌خواست بگوید تنها راه نجات ایران در استقرار قانون خلاصه می‌شود. این رساله که در سال 1287 ق. نگاشته شده، تلاش آگاهانه‌ای برای تقلیل و تطبیق دادن اصول و موازین مشروطیت با قوانین شرع بود. یکی از مسائلی که با توجه به حجم محدود کتاب به آن توجه خاصی نشان داده، نظام آموزشی است که مستشارالدوله، با آوردن آیات و احادیثی، سعی در توجیه و لزوم عرفی‌شدن نهادهای آموزشی دارد.

## 3. کتاب احمد:

سفینه طالبی یا کتاب احمد اثر طالبوف تبریزی است. این کتاب اولین تألیف نویسنده می‌باشد که به قول خودش، طرحی آگاهانه از امیل - اثر ژان ژاک روسو - می‌باشد و شامل صحبت‌های کوتاهی در ظاهر به منظور آموزش احمد - پسر خیالی مؤلف - است؛ اما در واقع به هدف ارائه الگویی مرتب برای نحوه‌ی تدریس در نظام آموزشی است. کتاب احمد موضوعات متنوعی از جمله: تاریخ و علوم و اطلاعات عمومی درباره‌ی کشورهای اروپایی را مطرح کرده و به ویژه، به موضوع اصلاح آموزشی و نقش آن در توانمندی مجدد ایران می‌پردازد. آن چه تحت عنوان سفینه طالبی نوشته شده است در دو جلد آمده است. اما می‌توان گفت جلد سوم نیز دارد که سیزده سال پس از جلد اول چاپ شده است.

## 4. الفبای جدید و مکتوبات:

کتاب الفبای جدید و مکتوبات شامل مجموعه نامه‌ها و اسناد و تحقیقات آخوندزاده درباره‌ی پیدایش خط کوفی و نسخ و نستعلیق و کاوش‌های علمی او در راه تسهیل و تکمیل این خطوط و بالاخره پیشنهاد لزوم اصلاح و تغییر الفبای عربی و ایجاد الفبای جدید می‌باشد. چنین برمی‌آید هدفی را که آخوندزاده پیگیری می‌کرد، استخلاص مردم از جهل و بی‌سوادی برای کمک به آن‌ها در راه نیل به آزادی و سعادت بوده است. نامه‌ها و اسناد او توسط حمید محمدزاده گردآوری شده که بنابر نوشته‌ی گردآورنده حتی المقدور بدون هیچ‌گونه تغییر و تبدیل در سال 1357 توسط نشر احیاء در تبریز منتشر شده‌اند. مطالعه‌ی این مجموعه ما را با افکار و اندیشه‌های تربیتی آخوندزاده آشنا می‌کند و در این پژوهش از آن استفاده گردید.

## 5. رساله‌های میرزا ملکم‌خان:

میرزا ملکم‌خان یکی از برجسته‌ترین اندیشمندان و سیاستمداران دوره‌ی قاجار است که در حوزه‌ی سیاست و اجتماع رساله‌های متعددی را نگاشته است. این رساله‌ها برای گذار ایران از عصر استبداد به دوره‌ی مشروطه بسیار مؤثر بودند و بر آثار و اندیشه‌های دیگر اندیشمندان جامعه تاثیر گذاشتند. حجت‌الله اصیل رساله‌های میرزا ملکم‌خان را که با نثری ساده و بیانی روان و روشن و شیوه‌ای جدلی نوشته شده‌اند، در سال 1381 جمع‌آوری کرده است. قبل از او در سال 1325 ق. هاشم ربیع‌زاده و در سال 1327 محیط طباطبایی، این رساله‌ها را جمع‌آوری کرده بودند؛ اما مجموعه‌ای که اصیل گرد آورده است، کامل‌تر و شامل 25 رساله است که وجوه مختلف اندیشه‌های ملکم را در حوزه‌های گوناگون در بر دارد. با مطالعه این مجموعه به آراء و عقاید میرزا ملکم‌خان در باب مسائل آموزشی و تلاش‌های او برای اصلاح الفبا آشنا می‌شویم.

## 6. حیات یحیی:

یکی از منابع تاریخی که در این پایان‌نامه از آن مکرر استفاده شد، کتاب «حیات یحیی» نوشته‌ی یحیی دولت‌آبادی است. این کتاب که در واقع مجموعه خاطرات مؤلف در طول حیات اجتماعی و سیاسی‌اش می‌باشد، در چهار جلد به طبع درآمده است. در جلد اول و دوم، علاوه بر مطرح کردن تفکرات خود در مورد مسائل آموزشی، اطلاعات سودمندی را در خصوص چگونگی شکل‌گیری مدارس جدید را در اختیار می‌گذارد. از آن‌جا که مؤلف به طور مستقیم درگیر کار تشکیل مدارس و نشر معارف بوده است؛ این گزارشات اهمیت ویژه‌ای دارند. اما این نکته را نباید از نظر دور داشت که دولت‌آبادی در کتابش همواره سعی داشته است که نقش اول را در احداث مدارس و انجمن معارف را به خود اختصاص دهد و نقش دیگران را، از جمله میرزا حسن رشیدی و... را جنبی دانسته است. دولت‌آبادی همچنین در کتاب خود به ندرت به چگونگی آموزش نسوان پرداخته است و آن‌جایی که می‌توانست این مباحث را مطرح کند، بنا به ملاحظاتی مسأله را ناگفته باقی می‌گذارد. مثلاً از فعالیت‌های خواهرش - صدیقه دولت‌آبادی - ذکری به میان نمی‌آورد.

## ب. روزنامه‌ها:

روزنامه‌ها آینده‌ی تمام نمای افکار و عقاید مردم و منافع بسیار ارزشمندی در هر دوره و زمانی برای پژوهش‌اند. با بررسی و مطالعه‌ی آن‌ها می‌توان مسائل سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، آموزشی و...

هر جامعه و ملتی را شناخت. در واقع روزنامه‌ها اسناد مکتوبی هستند که در جامعه ما آن‌چنان که باید و شاید مورد توجه قرار نگرفته‌اند. در این پژوهش سعی شده است که از اطلاعات این منابع ارزشمند در باب نظام آموزشی و فرایند تحولات آن استفاده گردد. از مهم‌ترین منابع تحقیق حاضر روزنامه‌ها هستند که مطالب و مباحث آن‌ها با توجه به جنبه‌های دولتی بودن یا ملی بودن آن و وابستگی‌های سیاسی دست‌اندرکاران روزنامه‌ها، ارزش خاص خود را دارند که در ادامه به آن‌ها می‌پردازیم.

## 1. روزنامه مجلس (تهران: 1325-1330 ه.ق.)

از مهم‌ترین روزنامه‌های دوره‌ی مشروطه و شاید مهم‌ترین آن‌ها، روزنامه مجلس است. این روزنامه که بعد از روزنامه انجمن تبریز دومین روزنامه‌ی دوره‌ی آزادی است؛ پنج جلد می‌باشد و انعکاس دهنده‌ی اخبار مجلس شورای ملی اول، دوم و همچنین اخبار و حوادث ایالات و ولایات مملکت ایران در سال‌های اولیه مشروطه بوده است. صاحب‌امتیاز آن میرزا محسن برادر صدرالعلما و مدیر آن ابتدا سید محمدصادق طباطبایی و از شماره‌ی 130 سال سوم، شیخ یحیی کاشانی بود. ابتدا ادیب‌الممالک فراهانی و بعدها شیخ یحیی کاشانی سمت سردبیری آن را عهده‌دار بودند. ارزشمندی این روزنامه از آن‌جا ناشی می‌گردد که تنها روزنامه‌ای است که می‌توان تحولات و مذاکرات مجلس اول را در آن دید؛ به علاوه در پنج جلد این روزنامه مقالات بسیار ارزشمندی از سراسر مملکت و حتی خارج از آن در رابطه با مسائل مختلف از جمله نظام آموزشی و معارف دیده می‌شود که توجه به آن‌ها برای پژوهش‌های در مورد تاریخ تحولات آموزشی ایران ضرورت دارد. اما مشکلی که این روزنامه دارد این است که پنجاه روز بعد از افتتاح مجلس انتشار یافته است؛ بنابراین ما از مذاکرات مجلس در این مدت، با توجه به بمباران مجلس و از بین رفتن اسناد صورت مذاکرات آن بی‌خبریم. جلد‌های این روزنامه در فاصله‌ی سال‌های 1375 تا 1376 توسط کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی منتشر شده است.

## 2. روزنامه انجمن (تبریز: 1324-1327 ه.ق.)

از روزنامه‌های مهم دوره مشروطه، روزنامه انجمن تبریز بود. این روزنامه، اولین روزنامه‌ی منتشر شده‌ی دوره‌ی مشروطه به حساب می‌رود و آن را انجمن ایالتی تبریز منتشر می‌کرد. نام آن ابتدا «روزنامه ملی» بود و از شماره 38 (18 ذی‌حجه 1324) انجمن خوانده شد. مدیریت روزنامه تا شماره

110 بر عهده سیدمحمد شبستری (ابوالضیاء) - عضو فرقه اجتماعیون تبریز - بود. میرزا علی اکبرخان چرندابی و محمود غنی‌زاده و مشهدی اسماعیل از دیگر مدیران این روزنامه بودند. این روزنامه به دلیل انتشارش در دوره‌ی استبداد صغیر - که توقیف عمومی بر روزنامه‌ها و سایر نشریات حاکم بود - نسبت به دیگر روزنامه‌ها اهمیتی خاص داشته و همچنین مطالب ارزشمندی را در مورد تلاش انجمن تبریز برای توسعه مدارس و معارف در آذربایجان را شامل می‌شود. روزنامه انجمن تبریز در دو جلد در سالهای 1374 و 1376 توسط کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران با همکاری استانداری آذربایجان شرقی منتشر شده است.

### 3. روزنامه صوراسرافیل (تهران: 1325-1326 ه.ق.)

مدیریت روزنامه صوراسرافیل با میرزا جهانگیرخان شیرازی و میرزا قاسم تبریزی بود. اولین شماره‌ی آن در 17 ربیع‌الآخر 1325 منتشر شد. به‌رغم توقیف‌های متعدد، در این سال 32 شماره از آن منتشر شد. از خصوصیات آن این بود که شماره‌های هفت و هشت آن با هم انتشار یافت. یکی از همکاران این روزنامه دهخدا بود که ستون چرندپرند را می‌نگاشت. بعد از به‌توپ بسته شدن مجلس، وی به اروپا تبعید شد و در آن‌جا سه شماره دیگر از صوراسرافیل را در 1326 ق. منتشر کرد که چاپ آن در پاریس و کارهای دیگرش در ایوردن سوئیس رتق و فتق می‌شد. دست‌اندرکاران این روزنامه به اهمیت نشر معارف و گسترش مدارس پی برده بودند در بعضی از شماره‌ها به این موضوع می‌پرداختند و چون که صوراسرافیل یکی از چند روزنامه‌ی مطرح در دوره‌ی خودش بود، مطالب آن در مورد نظام آموزشی از اهمیت ویژه‌ای در خصوص این پایان‌نامه برخوردار است.

### 4. روزنامه حبل‌المتین (تهران) (تهران: 1325-1326 ه.ق.)

حبل‌المتین تهران را که می‌توان شاخه‌ای از حبل‌المتین کلکته در هند دانست، توسط سیدحسن کاشانی (برادر مؤیدالاسلام) منتشر می‌شد. این روزنامه هر چند مشی محافظه‌کارانه داشت؛ اما به لحاظ پرداختن به موضوعات مختلفی از جمله مباحث آموزشی و تلاش برای گسترش معارف، اهمیت خاصی دارد. عمر این روزنامه، مانند دیگر نشریات عصر مشروطه دیر نپایید و پس از کودتای محمدعلی شاه و انحلال مجلس توقیف شد.